

**A study of the stylistic characteristics of the
Travelogue of Hussam's Aahd written by
Mahmoud Mirza Qajar,
Vahid mobarak¹, Samira kanani²**

بررسی ویژگی‌های سبکی سفرنامه‌ی عهد حسام

محمود میرزا قاجار

وحید مبارک^۱؛ سمیرا کنعانی^۲

چکیده

Abstract

During the Qajar period travel was considered as one of the literary owners. Travelogues contain the linguistic information of their era, and the travelogues have written their view and hearing without diligence and effort. Each travelogues contains historical, political, geographical, anthropological, economic and so on information, in addition to linguistic information, for purposes and manner of writing. One of the lesser known travelogues of the Qajar era is Hussam's Aahd written by Mahmoud Mirza Qajar, who was extensive knowledge of Fath Ali Shah and his court and linguistic and literary points. And rich political, economic, historical and information etc. from that time. In this descriptive study, an analysis of this itinerary based on layered stylistics examines the phonetic, lexical, syntactic, rhetorical, and semantic layers of the Hussam's Aahd. The finding show that what is of great importance to the author in this work and has tried to express it is semantic layer of the word, and to this end complete knowledge of various things, historical sites, castles, bridges, imams, the blessed Baqa'ah present and display the agricultural status, the names of the tribes and their elders, the geographical location of the cities, and so on.

Keywords: Rustam Alhkma, architecture, urbanism, Qajar, safavid and zand eras

در دوران قاجار سفرنامه نویسی به عنوان یکی از انواع ادبی مورد توجه صاحبان قلم و ادیبان قرار گرفت. سفرنامه‌ها حاوی اطلاعات مختلف عصر خود هستند و سفرنامه نویسان حاصل دیده‌ها و شنیده‌های خود را بدون تکلف و کوشش برای لفظ پردازی به قلم درمی‌آوردند و هر سفرنامه، علاوه بر اطلاعات زبانی، بنا بر اهداف و شیوه‌ی نگارش خود حاوی اطلاعات تاریخی، سیاسی، جغرافیایی، مردم شناسی، اقتصادی و... نیز هست. یکی از سفرنامه‌های با ارزش و کمتر شناخته شده‌ی عصر قاجار، سفرنامه‌ی عهد حسام، نوشته‌ی محمود میرزا قاجار است که آگاهی‌های فراوانی از احوال و دوران فتحعلی شاه و دربار او دارد و اطلاعات فراوانی را از آن روزگار ارائه می‌دهد. در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، از این سفرنامه، بر مبنای سبک‌شناسی لایه‌ای به بررسی لایه‌های آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و معنایی عهد حسام پرداخته شده‌است. یافته‌ها نشان می‌دهد، آنچه در این اثر برای نویسنده حائز اهمیت فراوان است و بیشتر از دیگر موارد، در راستای بیان آن تلاش کرده شده‌است، لایه‌ی معنایی کلام است و نویسنده برای رسیدن به این منظور، آگاهی‌هایی کامل از امورگوناگون؛ اماکن تاریخی، قلاع، پل‌ها، امامزادگان، بقاع متبرکه، وضعیت کشاورزی، اسامی ایلات و بزرگان آن‌ها، موقعیت جغرافیایی شهرها و... را ارائه کرده و به نمایش گذاشته است.

کلیدواژه‌ها "سبک شناسی لایه‌ای" "سفرنامه" "عهد حسام" "قاجار" "محمود میرزا"

Assistant professor of Persian language and literature at Razi university
Ph.D student of Persian language and literature at Razi university

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی
۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی (نویسنده)
مسؤل (m.kanany34@yahoo.com)

مقدمه

سفرنامه‌ها از آثار ادبی بسیار مهم در هر سرزمینی هستند و اطلاعات ذی‌قیمت و با ارزشی از گذشته‌های دور و نزدیک را همراه خود به ارمغان آورده‌اند. سفرنامه‌ها از آنجا که زمان و مکان را توأمان در خود دارند، حاوی اطلاعات جغرافیایی، تاریخی، زبانی، اقتصادی، سیاسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، ادبی و... هستند. در زبان و ادبیات فارسی نیز سفرنامه-نویسی از دیرباز مورد توجه سخنوران بوده‌است. در گذشته‌های دور سفرنامه‌های تمثیلی و معنوی چون ارداویراف‌نامه و در دوره‌های بعد سفرنامه‌های دنیوی چون سفرنامه‌ی ناصرخسرو وجود داشته‌است. سفرنامه‌نویسی در عصر صفویه و قاجار بسیار مورد توجه قرار گرفت، به گونه‌ای که می‌توان گفت «در سیر سفرنامه‌نویسی در ایران، دوره‌ی قاجار، جایگاهی ممتاز دارد» (رضوانیان، ۱۳۸۸: ۱۸۲). آنگاه که ایرانیان برای کسب علوم و فنون یا شاهان به قصد سیاحت رهسپار اروپا می‌شدند، هنگام بازگشت کتابی در وصف سفر چون رهاوردی شگفت و با ارزش به همراه خود می‌آوردند (ر.ک. ناشناس، ۱۳۸۷: ۵۳) و گاه نیز غریبان با سفر به ایران‌زمین حاصل مشاهدات خود را در سفرنامه‌های خود چونان خاطراتی دل‌چسب و آموزنده ثبت و ضبط می‌کردند؛ اما در ایران-زمین خردمندان و قلم به دستانی بودند که عشق به وطن، شیفتگی در مقابل زیبایی‌های تمدن کهن و نگرش معنوی به حیات، آن‌ها را از وصف فرنگ بی-نیاز کرده و سفر در دل وطن را عنوان سفرنامه‌های خود کرده‌اند. چنانکه محمود میرزا قاجار فرزند فتحعلی شاه قاجار آنگاه که حکومت قاجار با طغیان

ایلات لرستان و خوزستان روبه‌رو می‌شود و حسام-السلطنه برای فرونشاندن آشوب‌ها و دلگرمی ایلات، راهی غرب ایران می‌گردد؛ محمود میرزا همراه او رهسپار می‌شود و حاصل تجربیات و مشاهدات خود را در کتابی با عنوان عهد حسام که از سفرنامه‌های با ارزش عصر قاجار است، گردآوردی می‌کند. «عهد حسام کتاب معتبری است، زیرا هم دربردارنده‌ی اطلاعات زیادی درباره‌ی زندگی مؤلف و خاطرات اوست و هم گوشه‌هایی از حالات و وقایع ایران عهد فتحعلی شاه است» (اقتداری، ۱۳۹۰: ۱۱). در این پژوهش برآنیم به بررسی ویژگی‌های سبک‌شناسانه‌ی اثر مذکور بپردازیم؛ زیرا سبک‌شناسی به ویژگی‌های زبانی و معنایی متن می‌پردازد. این جستار نیز، در ویژگی‌های زبانی مباحث آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی و در ویژگی‌های معنایی بسیاری از مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، تاریخی و... را بازگو می‌کند. سبک هر سخنور که «عبارت است از شیوه‌ی کاربرد زبان در یک بافت معین، به وسیله‌ی شخص معین برای هدفی مشخص» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۴)، در واقع بیانگر «نگرش، اعتقادات، محیط اقلیمی، طبقه‌ی اجتماعی، نوع مطالعات، تحصیلات و علایق وی است» (همان: ۳۷)، و سخنوری صاحب سبک است که از هنجارهای عادی زبان عدول کند و به گفته‌ی فرمالیست‌ها «سبک عبارت است از خروج از زبان عادی و خودکار» (همان: ۳۹)، نگارندگان در بررسی ویژگی‌های سبکی، بسامد عدول از هنجارها را در نظر داشته‌اند، زیرا در سبک‌شناسی، بسامد جایگاه ویژه‌ای دارد.

نثر دوره‌ی قاجار، نثری ساده و روان است، اما باید دانست که «تمام نویسندگان از نهضت ساده‌نویسی

بسنده شده‌است. ارجاع به متن سفرنامه‌ی عهد حسام تنها با ذکر شماره‌ی صفحه داخل پرانتز است.

- پرسش‌های پژوهش:

- ویژگی‌های سبکی سفرنامه‌ی عهد حسام چیست و کدام یک از لایه‌های سبکی در این اثر مهم‌تر است؟
- چه اطلاعات زبانی، ادبی، نحوی و معنایی از آن می‌توان یافت؟

- پیشینه‌ی پژوهش:

سبک شناسی در دوران معاصر با نظریه‌های گوناگونی مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته‌است، اما سفرنامه عهد حسام چندان مورد توجه قرار نگرفته است، لذا درباره‌ی این کتاب نمی‌توان پیشینه‌ای یاد کرد، اما درباره‌ی سبک شناسی سفرنامه‌ها به سبب اطلاعات فراوانی که در آن‌هاست نیز مورد توجه قرار گرفته‌است که می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره کرد: پایان‌نامه‌ی «بررسی ویژگی‌های زبانی سبک سفرنامه‌های ناصرالدین شاه» از آسیه آقایی بهجانی که ویژگی‌های سبکی سفرنامه‌های ناصرالدین شاه را از منظر زبانی کاویده‌است؛ پایان‌نامه‌ی «بررسی وجوه افعال در سفرنامه‌ی ناصر خسرو» از اصغر بهزاد ساری نصیرلو، که از منظر زبانی و با تکیه بر فعل به بررسی سفرنامه‌ی ناصر خسرو پرداخته‌است؛ پایان‌نامه‌ی «بررسی زبانی، محتوایی و زیبایی‌شناختی سفرنامه‌های امین الریحانی» از امین جهانبخت لیلی که ویژگی‌های سبک‌ساز سفرنامه‌ی امین الریحانی را در ابعاد زبانی و محتوایی مورد بررسی قرار داده‌است؛ پایان‌نامه‌ی «بررسی ویژگی‌های سبکی سفرنامه‌های عصر قاجار» از حمیده خورشیدوند که به‌طور کلی، آثار سفرنامه‌ای دوران قاجار را از منظر ویژگی‌های سبکی بررسی

پیروی نمی‌کردند و بعضی از نویسندگان بویژه منشیان درباری، ادبا و فضلا به اسلوب قدما متمایل بودند و نثر فنی را هم‌چنان سرلوحه‌ی نگارش خود قرار می‌دادند» (رحیمیان، ۱۳۸۸: ۱۴). محمود میرزا شاهزاده- ایست اهل علم و ادب و سخنور است صاحب قلم، او زبانی ساده و روان بکار گرفته‌است، اما کلامش سرشار از سجع، تکرار، واج‌آرایی، تشبیه و دیگر زیبایی‌های بلاغی است. گهگاه ارکان جمله را جابجا می‌کند، که در دل این جابجایی اهداف خاصی نهفته‌است. ذکر اشعاری از خود و دیگر شاعران نام‌آشنا و گم‌نام به موسیقی کلامش می‌افزاید. کلامش آمیخته‌ایست از دو سبک ساده نویسی و فنی نویسی که بعد سادگی بر بعد فنی غلبه دارد. در این سفرنامه محمود میرزا به خوبی از ویژگی‌های معیشتی مردمان غرب ایران، اوضاع سیاسی عصر خود، آیین‌ها و باورهای دینی مردمان، اوضاع دربار قاجار، موقعیت جغرافیایی برخی پدیده‌های طبیعی و اماکن، نسب سادات و امامان و... سخن گفته‌است. در جای‌جای کلامش به وصف طبیعت و زیبایی‌های لرستان و خوزستان پرداخته و پیشینه‌ی تاریخی اماکن را در دل تمامی توصیفات خود گنجانده و کلام خود را سرشار از اطلاعات جغرافیایی و تاریخی کرده‌است.

- روش پژوهش:

در این پژوهش برآنیم به شیوه‌ی تحلیلی-توصیفی به بررسی ویژگی‌های سبکی سفرنامه‌ی عهد حسام محمود میرزا قاجار پرداخته و از منظر لایه‌های آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و معنایی اثر فوق را بررسی کنیم. از آنجا که شاهد مثال‌ها برای هر عنوان فراوان بود، برای هر یک از عناوین به ذکر یک یا دو مثال

لغوی، صرفی و نحوی، بلاغی و... همچنین به ویژگی‌های محتوایی چون پدیده‌های طبیعی، اماکن تاریخی، باورهای دینی، خلق و خوی مردمان، شجره‌ی نسب امامان و سادات و... نیز دست یافت. «سبک‌شناسی آثار گذشتگان موجب به دست آوردن درک بهتری از آن آثار و زبان بکار رفته در آن خواهد شد. سبک‌شناسی بررسی شیوه‌های بیان و دلیل انتخاب یک روش از میان روش‌های ممکن دیگر است» (محمدی آسیابادی و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۱). از آنجایی که متن مورد بررسی ما سفرنامه‌ای است در غرب ایران‌زمین، که نه تنها از لحاظ ویژگی‌های زبانی حائز اهمیت است، بلکه حاوی اطلاعات فراوانی در مورد نام، نسب، پیشینه و پیشه‌ی ایلات، پیشینه و قدمت اماکن هر شهر و منطقه، سخن از برخی رویدادهای باستانی و معاصر تاریخی، سخن از حکایات عرفانی و پاره‌ای از باورهای دینی مردمان، قضاوت در مورد خلق و خو و پیشه‌ی مردمان هر دیار (گرچه برخی از آنها نادرست است)، یافتن نام قدیمی اماکن، سخن از وجه تسمیه‌ی اماکن، سخن از بزرگان دینی هر منطقه، اشاره‌های ظریفی به وضع زنان، سخن از اوضاع معیشتی هر منطقه، برخی اطلاعات سیاسی که در دل بازگو کردن احوال خود به آن‌ها اشاره کرده‌است، نگاه اقتصادی نویسنده به پاره‌ای امور، اطلاعات جغرافیایی و... است.

در سبک‌شناسی نوین، بررسی و تحلیل سبک متون ادبی بر اساس دیدگاه لایه‌ای پیش می‌رود، بدین معنا که متن را بر اساس لایه‌ی آوایی، واژگانی، نحوی، ادبی و معنایی بررسی و تحلیل می‌کنند و سبک اثر را شناسایی می‌کنند. این جستار نیز سفرنامه‌ی عهد

کرده‌است (در آن از سفرنامه عهد حسام یاد نکرده است)؛ پایان‌نامه‌ی «تاثیر سفرنامه‌های دوره‌ی قاجار بر نثر فارسی» از فرنگیس شاه‌رخی به بررسی ویژگی‌های زبانی سفرنامه‌ها و تأثیر آن‌ها بر سبک نثر نویسی زبان فارسی معاصر پرداخته‌است؛ پایان‌نامه‌ی «بررسی سبکی و زبانی سفرنامه میرزا صالح شیرازی» از سمیه شکاری، به‌طور ویژه سفرنامه‌ی میرزا صالح شیرازی را از منظر سبک‌شناسی مورد بررسی قرار داده‌است؛ پایان‌نامه‌ی «بررسی مختصات زبانی و سبکی سفرنامه ناصر خسرو» از محمد باقر شهرامی که سفرنامه‌ی ناصر خسرو را به‌طور ویژه مورد دقت قرار داده‌است؛ پایان‌نامه‌ی «بررسی سفرنامه‌های شاعران و ادیبان» از فرشته مهرپویا که سفرنامه‌های منظوم شاعران و ادیبان را بررسی کرده‌است؛ جستار «بررسی سبک‌شناسی و تحلیل گفتمان سفرنامه‌های عتبات دوره‌ی قاجار» از مهران نظری نسب که فقط سفرنامه‌هایی را که در دوران قاجار در مورد سفرهای عتبات عالیات نوشته شده‌است، بررسی کرده‌است. به‌صراحت می‌توان گفت به سبب ناشناخته ماندن سفرنامه‌ی عهد حسام پژوهش مستقلی درباره‌ی این اثر دیده نشد. ما برآنیم ضمن معرفی این سفرنامه، با بررسی ویژگی‌های سبکی آن ارزش‌های زبانی، ادبی و محتوایی آن را نشان دهیم.

۱- ویژگی‌های سبکی سفرنامه‌ی عهد حسام

امروزه در بررسی و تحلیل متون ادبی و هنری می‌توان از دانش سبک‌شناسی بهره‌ی بسیار برد. با استفاده از این روش می‌توان به اطلاعات و آگاهی‌های فراوانی درباره‌ی ویژگی‌های زبانی چون ویژگی‌های آوایی،

«دنباله‌کشی کار دنباله روی ما را به یادگار گذاشت. بیان حقیقت این حال را مجال و حال دیگری لازم و لابد، خاصه در این اوراق و اطباق شایسته‌ی تفصیل نیست». (۵)

باز تکرار مصوت «ا» بیانگر احوال ناخوش نویسنده است، اما این بار در کنار بیان اندوه و ملالت، طول و امتداد رنجش خود و همچنین ناتوانی کنونی از انجام کاری در راستای رفع آن را هم بیان می‌کند. روی هم رفته محود میرزا ۳۱۸ بار در کلام خود برخی واج‌ها را تکرار می‌کند، این تکرارها معمولاً از دو بار بیشترند، که در راستای افزونی موسیقی کلام و بیان مفاهیم مورد نظر خود از آن‌ها بهره برده‌است. در میان واج‌ها واج «آ» بیشترین بسامد تکرار را دارد و پس از آن واج‌های «ت»، «ن»، «س»، «د»، بسامد بیشتری دارند و واج‌های «ر»، «ز»، «ب»، «ق»، «م»، «ح» با بسامد کمتری تکرار شده‌اند.

۱-۱-۲ تکرار واج

کلام محمود میرزا سرشار از انواع سجع است و همین مسجع بودن سبب تکرار هجا در کلام او شده‌است.

«در هر نه‌ری بحری و در هر آستینی آبسکونی، در هر ایوانی طغیانی». (۴۳)

آس/تی/نی / و آبس/کونی / ای/وانی و طغ/یا/نی. تکرار هجای پایانی «نی» در پایان این واژه‌ها هماهنگی آوایی خاصی به کلام بخشیده‌است. سخنور با تکرار این هجاها طغیان رودها و وقوع سیلی ویرانگر را نمایش می‌دهد. نمونه دیگر: «دیگر آنکه به زمزمه‌ی برادر و همهمه‌ی پسر و دمدمه‌ی امیران آن ... تخفیف دادند» (۴۵).

حسام را در پنج لایه‌ی آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و معنایی بررسی کرده‌است.

۱-۱-۱ لایه‌ی آوایی

آواها و اصوات در ایجاد وجهی زیبایی شناسانه به کلام جایگاه والایی دارند، «لایه‌ی آوایی، ارزش و کاربرد آواها و تأثیرات زیبا شناسیک و نقش آن‌ها را در سبک سخن بررسی می‌کند، بخش عمده‌ی زیبایی‌های موسیقایی، حاصل لایه‌ی آوایی سبک است» (خدابخش نژاد و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۴). محمود میرزا شخصی آگاه، خردمند و ادیب است، او سخنوری ماهر و شاعری توانمند است، لذا به خوبی با آواها و بُعد موسیقایی آن‌ها آشناست و برای ایجاد موسیقی در کلامش از سجع، تناسب، تضاد، تکرار (تکرار واج، هجا و واژه) به فراوانی استفاده کرده‌است.

۱-۱-۱-۱ تکرار

تکرار واج، هجا و واژه به خوبی در کلام نویسنده آشکار است. این تکرارها در مناجات آغازین کلام و بخش‌هایی که در آن برای شاه القاب و عناوین اغراق آمیزی می‌آورد. نمود بیشتری پیدا می‌کند.

۱-۱-۱-۱-۱ تکرار واج

«پس از آن‌که بر چهره‌ی احوال کثیر الاختلال از نایبات زمان و حادثات دوران خال ملالت پدید شد و اشعه‌ی جواهر ذات و صفای اعراض صفات به کدورات دو راهی و ظلمات نامتناهی زنگ کدورت پذیرفت دست استیمان [امان] به دامان... محیی معطی... زد» (۱)

تکرار دمشی صامت «ت» و کشیدگی مصوت «آ» به خود را با تکرار آواهای «ت» و «آ» به خوبی بیان کرده‌است. نمونه دیگر:

زم/ز/مه و هم/ه/مه و دم/د/مه. تکرار «مه» در پایان این واژه‌ها ضمن بعد موسیقایی کلام، دم و بازدم‌های ناشی از سخن گفتن پی‌درپی را هم در دل خود دارد. در این کتاب ۱۲۹ بار تکرار هجا دیده می‌شود، که موسیقی و بیان مفهوم را در خود دارد. این تکرار، کلام را مسجع ساخته و غنای خاصی به نثر محمود میرزا بخشیده‌است. بیشترین تکرار هجاها تکرار هجاهای پایانی «انه»، «ان»، «ات»، «اب»، «ده»، «نی» و کمترین تکرار، تکرار هجاهای «شان»، «ری»، «مه»، «ستان»، «تر»، «دات» و... است

۱-۱-۳. تکرار واژه

تکرار واژه‌ها نیز در کلام سخنوران، علاوه بر بخشیدن جنبه‌ی موسیقایی به کلام بیان‌گر اهمیت موضوع و تأکید نویسنده بر آن است. «دست استیمان [امان] به دامان دارای کن فکان و رزاق انس و جان، قادر مقدر، مقدر قادر، خالق رازق، رازق خالق، معطی محیی، محیی معطی که ترکیب صورت در رحم آخشیمان فرمود زد» (۱). نویسنده می‌توانست اسماء و صفات دیگری برای خداوند بی‌آورد، اما او با تکرار اسم‌های قادر، مقدر، خالق، رازق، معطی، محیی به گونه‌ای موکد امید به خداوند و بی‌باکی از سخن‌چینی‌های حاسدان را بازگو می‌کند. او بدین وسیله خداوند را یگانه توانای عطابخش می‌داند و خود را تنها به خداوند نیازمند می‌داند و از غیر او بی‌نیاز. او به حاسدان گوشزد می‌کند که آنچه خداوند بخواهد می‌شود و حاسدان توان انجام کاری را ندارند. نمونه دیگر: «تراوش مضمون بکر از طبعم بدون فکر حضورش فکر بکری نیست، آنهم فکر بکر نیست» (۶۷).

تکرار فکر و بکر علاوه بر موسیقی کلام به طرز تفکر شعرای عصر قاجار و نقد محمود میرزا از شعر هم اشاره دارد، که نزد او بکر و نو بودن مضمون و فکر شعر بسیار با اهمیت است و ملاک خوب بودن شعر بکر هم "فکر" آن است. تکرار واژه در کلام محمود میرزا ۱۳۵ بار بازتاب داشته‌است، این تکرارها اغلب هنگام سخن از پادشاهان، بزرگان حکومتی، سادات و دیگر اشخاص مورد احترامش بیشتر است.

۱-۱-۲. تناسب (مراعات نظیر و تضاد)

بکارگیری واژه‌های متناسب در کلام موجب تقویت موسیقی معنایی کلام می‌گردد. تضاد و مراعات نظیر از جمله تناسب‌هایی است که محمود میرزا در کلام خود به فراوانی استفاده کرده‌است، به‌ویژه آنگاه که از شکار، موقعیت جغرافیایی، وصف طبیعت، بیان احوال خود، عرفا و امامزادگان سخن می‌راند از تناسب بهره می‌برد و بدین شیوه موسیقی معنایی و لفظی نثر خود را افزون می‌کند.

۱-۱-۲-۱. مراعات نظیر

«اما زلفش کمند گردن غزالان... چشمش پنهان و آشکار دل می‌برد و لبش خون دل می‌خورد...» (۱۹). میان واژه‌های زلف، چشم، دل و لب تناسب است و میان آشکار و پنهان تضاد، این امر موسیقی معنایی کلام را تقویت کرده‌است.

«در بحر زیبایی درّ ناب و در صدف و جاهت، لؤلؤ خوشاب.» (۶۷).

در این عبارت نیز واژه‌های بحر، درّ، صدف، لؤلؤ و خوشاب را کنار هم چیده‌است و ضمن ساخت تصاویر ادبی موسیقی معنوی به کلام بخشیده‌است. نویسنده در ۹۶ جای کتابش، میان برخی واژه‌ها مراعات نظیر برقرار کرده‌است، بیشترین این تناسب‌ها

به ترتیب تناسب میان نام شهرها، ایلات، انواع میوه‌ها و حیوانات شکاری است و کمترین تناسب تناسب میان اقلام ضروری خوراک است. «هر روز... سیصد گوسفند و بیست خروار برنج و ده خروار روغن و هزار خروار هیزم و زغال بدین منوال باید آماده شود...» (۴۶).

۱-۲-۲-۱ تضاد

آوردن واژه‌های متضاد کنار هم علاوه بر موسیقی، موجب جلب توجه خواننده می‌گردد، محمود میرزا از این شگرد به فراوانی استفاده کرده و بدین شیوه کلام خود را مزین ساخته است.

«در این سفر به خیر و شرّ دخیل نگشتم» (۱۵۳).

تضادهایی که نویسنده در کلام خود بکار می‌گیرد، اغلب برای بیان کلیت است، بدین معنا که بدین شیوه می‌خواهد عمومیت و تمامیت امری را در کلام خود بیان کند. تضادهایی چون: ظاهر و باطن، شب و روز، عادل و ظالم، جاهل و عالم و...، اما گاه تضادهایی را به کار می‌گیرد که به وسیله‌ی آن می‌خواهد احوال درونی خود را بیان کند که در این صورت تضاد از جنبه‌ی عمومیت خارج می‌شود و بسامد این امر در کلام سخنور کمتر است:

«... مرا با تمام یگانگی بیگانه می‌پندارند...» (۱۰۲).

تضاد میان یگانه و بیگانه، دوری محمود میرزا از شرفیابی در حضور شاه را بیان می‌کند، با وجود این که فرزند شاه است، اما کینه‌جویی‌های حاسدان، پدر را به پسر بد بین کرده، تا بدانجا که اجازه‌ی دیدار شاه را هم ندارد و یگانه‌ای بیگانه شده است. تضاد ۱۱۱ بار در نثر محمود میرزا بازتاب داشته که بیشترین آن‌ها در راستای بیان کلیت و عمومیت امور است. بیشترین

تضادهایی که در متن عهد حسام بازتاب داشته است به ترتیب تضاد میان واژگان: «تر و خشک، مرد و زن، خوب و بد، دور و نزدیک، نر و ماده، بسیار و اندک، قرب و بعد، خرید و فروش، خیر و شر، شور و شیرین، اناث و ذکور» است و کمترین بسامد نیز میان واژگان «یگانگی و یگانگی، الفت و کلفت، وفاق و نفاق، گرم و خنک، می‌دهد و نمی‌دهد، خاک و افلاک، خاص و عام، کهنه و نو، تلخ و شکر، بر و بحر، ماضی و مستقبل، مخفی و بروز، ماندن و رفتن، افتان و خیزان، صدق و کذب، راست و دروغ و...» است.

۱-۲-۱-۱-۳ سجع

این بخش در لایه بلاغی ذیل سجع آمده است.

۱-۲-۱ لایه‌ی واژگانی

واژه کوچک‌ترین واحد معنایی است که در نوشتار و گفتار مهم‌ترین نقش زبانی را ایفا می‌کند. در بررسی‌های سبکی، بررسی لایه‌ی واژگانی واژه‌های بکار رفته در متن، در شناخت موضوع اثر، ویژگی‌های نویسنده و تفسیر و شناخت متن کارگشا است. «هر طیف واژگانی تناسب خاصی با نوع اندیشه و سبک دارد. اندیشیدن انتزاعی یا حسی، سخن عامیانه یا رسمی، کهن‌گرایی یا نو واژه‌سازی هر کدام بیانگر شکلی از تفکر هستند» (خدابخش نژاد و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۸۵). در لایه‌ی واژگانی سبک‌شناسی باید به این امور توجه کرد: ۱- حسی یا انتزاعی بودن واژه، ۲- واژه‌های کهن، ۳- واژه‌های نشان‌دار، ۴- واژه‌های بیگانه، ۵- نو واژه‌ها.

در متن عهد حسام نیز بررسی واژه‌ها خالی از لطف نیست و توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند.

۱-۲-۱ حسی یا انتزاعی بودن واژه‌ها

«واژه‌هایی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند، انتزاعی‌اند و واژه‌هایی که بر اشیاء واقعی و محسوس دلالت دارند عینی و حسی-اند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۵۱). غلبه‌ی هر یک از این واژه‌ها کلام را حسی یا انتزاعی می‌کند.

۱-۲-۱. واژه‌های ذهنی یا انتزاعی

«از کثرت شیاطین انس و شدت مردمان مفسد کارهای مطرود بی‌سود پر اتفاق افتاد. به افترای مفتری و شهادت اطفال، ملال از حد افزون شد. چندی حصار روئین دژ حصاری، پس از آن به بروجرد نظر به توهم به شفاعت متواری» (۵/۴).

محمود میرزا در این بند به بیان احوال خود پرداخته- است که چگونه با کینه‌توزی حاسدان مورد غضب شاه قرار گرفته‌است. او برای بیان این کدورت و احوال خود که همگی امور ذهنی و درونی هستند، از واژه‌های انتزاعی و ذهنی چون: شیاطین، مفسد، بی‌سود، افترا، شهادت، ملال، توهم و شفاعت بهره برده‌است. نمونه دیگر:

«سید حسین بن سید عبدالکریم است که از هر معلم افضل و اعلم و ازهد و اتقی و اورع است» (۵۲). سخن از سیدی است پرهیزگار که نویسنده او را با اوصاف معنوی می‌ستاید.

۱-۲-۱. واژه‌های حسی

«محمد علی میرزا بود هنگام بازگشت به عالم فانی از گچ و سنگ قلعه‌ی بسیار خوبی که در دور آن باره، در میان آن عمارت و باغ دلگشایی که موسوم به گلستان است ساخته‌اند» (۱۸).

واژه‌های گچ، سنگ، باره، عمارت و باغ، واژه‌هایی واقعی و حسی‌اند که نویسنده برای وصف قلعه و باغی زیبا از آن‌ها بهره گرفته‌است.

در تعیین حسی یا ذهنی بودن واژه‌های متن عهد حسام می‌توان گفت: آنگاه که نویسنده به بیان احوال خود می‌پردازد و از کینه‌توزی کینه‌وران و حسادت دشمنان دوست‌نمای خود سخن می‌گوید و رنجش و ملال درونی‌اش مجال بروز می‌یابد و همچنین آنگاه که دید عارفانه‌ی او غلبه می‌یابد و از عرفا، امام‌زادگان و سادات سخن می‌گوید، باورهای معنوی او غلبه می‌یابد؛ سخنور از واژه‌های ذهنی و انتزاعی بهره می‌برد و کلامش انتزاعی می‌گردد، اما آنگاه که به وصف طبیعت، اماکن گوناگون، قلعه‌ها، شورش ایلات و لشکرکشی به آن خطه و اموری از این قبیل می‌پردازد، از واژه‌های حسی بهره برده و کلامش حسی می‌گردد. بطور کلی می‌توان گفت محمود میرزا ۶۴۲ بار واژه انتزاعی و ذهنی را برای امور مورد نظر برگزیده و در کلام خود از آن‌ها برای اهداف منظور نظر خود بهره برده‌است؛ که می‌توان به واژه‌هایی چون طلسم، کدورت، عاصی، خاطر، تجرد، غضب، سوگند، ملال، اندوه، غم، شادی، نفاق، خیر، شر و... اشاره کرد. بسامد واژه‌های حسی در کلام سخنور بسیار زیاد است بگونه‌ای که می‌توان گفت غلبه با واژه‌های حسی است.

۱-۲-۱. واژه‌های خاص و عام

«قلعه‌ی سهشی که یکی از قلاع مشهور ایران است، در شش فرسنگی این شهر است. وفور نارنج و لیمو بسیار مرکبات در او مشهور، به سایر بلدان نقل می‌نمایند. وسمه و نیل و رنگ و حنا به ایران‌زمین از آنجا برند» (۲۹).

سهشی، ایران، نارنج، لیمو، وسمه، نیل، حنا همه واژه‌های خاص هستند که نویسنده در راستای

۱-۲-۳. واژه‌های نشان‌دار

این دسته از واژه‌ها نگرش و طرز تلقی نویسنده و گوینده را در خود دارد و علاوه بر مفهوم خاص خود در بردارنده‌ی معانی ضمنی نیز هستند (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۴) در عهد حسام دو گروه از واژه‌ها، واژه‌های نشان‌دار هستند. گروهی از آن‌ها واژه‌های درباری و شاهانه هستند، واژه‌هایی چون: شکار شاهانه، قلعه، حکومت، سلطان، خدمت‌گزار، سرکار، قبله‌ی عالم، خزینه، حکام، وزرا، استیلا، کلفت، عالم‌آرا، شهریار، شاهنشاهی، خوان‌سالار، پادشاهی، عمارت و واژه‌هایی این چنین. گروهی دیگر واژه‌های دینی-معنوی هستند و منش دینی نویسنده را بیان می‌کنند از جمله: سید، سادات، امام‌زاده، طهارت، زیارت، خرقة، دروش، مسجد، بقعه، افطار، سحری، مبارک، قرآنی، تلاوت، اخبار، حدیث، تسبیح، نام امام‌زادگان و سادات و واژه‌هایی از این قبیل. در ذیل برای هر گروه از واژه‌ها نمونه‌ای آورده شده‌است:

«بنا بر آن ظهور این مفاصد در حوصله‌ی ضمیر اعلی-حضرت شاهنشاه تاجدار و خاقان صاحبقران کشورستان نگنجیده موجب رنجش خاطر گردید» (۱۳۰).

واژه‌های اعلی‌حضرت، شاهنشاه، تاجدار، خاقان، صاحبقران، کشورستان همه از جمله خوشه‌های واژه-های درباری هستند و دید درباری نویسنده را نشان می‌دهد. مخاطب به یاری این واژه‌ها در می‌یابد که نویسنده شخصی درباری بوده و به‌خوبی با القاب شاهانه آشناست و حتی پی می‌برد که نویسنده در مقامی پایین‌تر از شخص شاه قرار دارد.

توصیف شهر از آن‌ها بهره گرفته‌است. بطور کلی می‌توان گفت محمود میرزا نام قلاع، پلها، رودها، شهرها، باغات، حکام و کارگزاران هر منطقه، سادات و امامزادگان، عرفا، اماکن تاریخی، مساجد و اموری این چنین را با ذکر نام آن‌ها بیان کرده‌است و واژه‌های خاص را برای بیان این امور بکار گرفته‌است و در غیر از این امور از واژه‌های عام بهره برده‌است. متن، سفرنامه‌ای به مکانی معلوم است که نویسنده به خوبی تمامی اماکن و موقعیت‌های آن را می‌داند. به هر دیاری که می‌رود از نام آن دیار و تمامی اماکن تاریخی، زیارتی، طبیعی و... آن یاد می‌کند و آن‌ها را توصیف می‌کند، بنابراینچه در متن آمده است، بسامد واژه‌های خاص در متن بسیار فراوان است، اما از آنجا که در کنار هر واژه‌ی خاصی مجموعه‌ای از واژه‌های عام هم دیده می‌شود، بسامد واژه‌های عام فراوان‌تر است. بیان بسامد و تعداد تمامی واژه‌های خاص و عام در هر متنی کار دشواری است، در این متن واژه-های بی‌شماری بکار رفته است، که برخی از آن‌ها خاص و برخی دیگر عام هستند. محمود میرزا از ۴۷۶ شخص خاص (که از این میان به ۵۴ سید، ۱۷ شخصیت اسطوره‌ای، ۱۲ ملا، ۴۰ تن از انبیاء، اولیا، اصحاب و امامان، ۲۰ تن از مشایخ اشاره دارد و یک چهارم از اشخاصی که به آن‌ها اشاره کرده است، شخصیت‌های دینی و عرفانی‌اند)، نام ۸۵ ایل، ۱۳ سلسله سادات، ۷ دروازه، ۱۷ قلعه، ۷ پل، ۴۵ بقعه، ۱۰ باغ، ۱۲ امام‌زاده، ۱۰ محصول کشاورزی، ۸ جاندار و... یاد کرده‌است. البته تعداد واژه‌های خاص بیشتر از این است که ذکر و شمارش همه آنها از حوصله‌ی این نوشته خارج است.

«... مردی است زاهد و سیدی است عابد که در علم حروف و طب و مسلک عرفا با ید کافی، و کلبه‌ی درویشانه‌ی او در شوشتر خانه‌ی درویشان است و مرجع فقیران، به امید پروردگار غنی است و از ابنای زمان مستغنی» (۱۲۶).

واژه‌های بکار رفته در این بند به‌خوبی منش و گرایش دینی - عرفانی او را نشان می‌دهد. زاهد، سید، عابد، درویش، فقیر، مستغنی و... واژه‌های مربوط به مشرب عرفا است که محمود میرزا از آن‌ها بهره برده - است. کلام محمود میرزا سرشار از چنین واژگانی است، او به هر شهری که می‌رود از امام‌زادگان، سادات و عرفا و بزرگان دینی آن منطقه یاد می‌کند و با اوصافی این‌چنین از آن‌ها سخن می‌گوید، به گونه‌ای که مخاطب با دیدن این واژه‌ها به دیدگاه و منش دینی - معنوی نویسنده پی می‌برد.

۱-۲-۴. واژه‌های بیگانه

در عصر قاجار حس ملی‌گرایی ایرانیان به اوج رسید، در همین دوران است که برخی از شعرا و نویسندگان به سبک بازگشت روی آوردند و ایران باستان را می - ستودند، سخنوران را بکاربرد واژه‌های فارسی امر می - کردند و از کاربرد واژه‌های عربی بر حذر می‌داشتند، اما بازهم، سخنوران، از واژه‌های عربی استفاده کرده - اند. محمود میرزا هم از واژه‌های عربی به‌وفور استفاده کرده‌است، اما این امر به فصاحت کلام او آسیب نزده - است. محمود میرزا از قیده‌های عربی به ویژه قیده‌های تنوین‌دار، صفات عربی، کلمات «ال» دار، ترکیبات عربی و... در کلام خود استفاده کرده‌است. گویا واژه - های فارسی معادل، توان رساندن مفهوم را ندارند و تنها واژه‌های زمخت عربی توان بیان این مفاهیم را دارند.

قیده‌های تنوین‌دار:

«... مجملاً آنکه این پل هجده چشمه دارد... صد و پنجاه هزار تومان تخمیناً خرج شده‌است» (۱۹).

می‌توان گفت محمود میرزا در سفرنامه خود بیش از ۲۴ بار قید تنوین‌دار را برگزیده و در کلام خود آن‌ها را بکار گرفته‌است. قیده‌هایی چون: نظماً، نثراً، لابداً، تفصیلاً، مجملاً، لابداً، تخمیناً، منفرداً، معجلاً، سابقاً، حکماً، یقیناً، تیمناً و... .

واژه‌های «ال» دار:

«الحق مکان ده یوردمان بد یوردی بود» (۱۹).

در میان انواع واژه‌های «ال» دار محمود میرزا به قید «الحق» بیشترین اشاره را داشته و ۱۸ بار آن را در کلام خود بکار گرفته‌است. این قید امروزه در زبان محاوره زبان‌زد است و مردمان به‌فراوانی از آن استفاده می - کنند، بر این اساس می‌توان گفت این واژه در دوران قاجار هم رایج بوده‌است. واژه «المدعو» نیز کمترین بسامد را در کلامش دارد.

صفات عربی:

او علاوه بر قیده‌های عربی پیش‌گفته، از صفات عربی به ویژه صفات تفضیلی عربی نیز بهره برده‌است. «جناب علامی فهامی، آقا سید حسین بزرگ که اجل و اکمل سادات جزایر نوریه می‌باشد...» (۱۰۷).

اجل و اکمل نیز از صفات عربی هستند که سخنور از آن‌ها بهره برده‌است. کاربرد صفات ساده عربی چندان توجه مخاطب را جلب نمی‌کند، اما کاربرد ۵۴ بار صفت تفضیلی عربی در نثر عهد حسام توجه خواننده را به خود جلب می‌کند. صفاتی چون «اجل، اکمل، اکثر، اغلب، افضل، اورع، اعلم، اتقی، ازهد، ارشد، اعظم و...» از جمله صفات تفضیلی عربی هستند که در متن کتاب دیده می‌شود.

ترکیبات عربی:

در نثر محمود میرزا کاربرد ترکیبات وصفی و اضافی عربی نیز به وفور دیده می‌شود. «در این منزل نصرالله میرزا خلف الصدق مرحوم محمد علی میرزا ... وارد شد» (۱۹). بیشترین ترکیباتی که محمود میرزا در کتاب خود بکار گرفته است ترکیبات: خلف الصدق، حسب الخواش، حسب الفرمایش، حسب الامر، رجب المرجب، رمضان المبارک، قطاع الطريق، بقاع الخیر، سید العارفین، معدلت مدار، جلیل القدر، سلطان العارفین و... است. نویسنده آنگاه که از شاهان یا عرفا و بزرگان دینی سخن می‌گوید از ترکیبات عربی بیشترین بهره را می‌برد، او بدین شیوه می‌خواهد بزرگی و شکوه اشخاص مورد احترامش را نشان دهد. کاربرد ۹۲ بار ترکیب وصفی و اضافی عربی در کلام محمود، این ویژگی را به یک ویژگی سبکی برای او بدل کرده است.

۱-۲-۵. واژه‌های کهن

کهن‌گرایی و کاربرد واژه‌های کهن در کلام از جمله ویژگی‌های سبکی آثار ادبی است. «کاربرد عنصر تاریخمند زبان در یک بافت زمانی تازه‌تر را کهن‌گرایی (آرکائیسیم) می‌گویند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۵۴). نویسندگان با اهداف گوناگونی به پیشینه‌ی زبانی خود روی می‌آورند و واژه‌های خاص گذشته‌های دور و نزدیک را در کلام خود بکار می‌گیرند. محمود میرزا اغلب از نام شاهان کهن، نسب امام‌زادگان و پهلوانان اسطوره‌ای یاد می‌کند و بدین شیوه به پیشینه‌ی حکومتی و تمدنی، فرهنگ غنی، قدمت آبادانی و گذشته‌ی اسطوره‌ای ایران اشاره می‌کند. او بدین شیوه می‌خواهد گذشته‌ی باستانی ایران را یادآور شود.

«از آن منزل گذشته به شهر رامهرمز [آمدیم] که نام قدیم آن سمنگان بود که دختر سلطان آنجا را رستم زابلی گرفته که سهراب از او عمل آمد... این شهر رامهرمز را هرمز بن انوشیروان ساخته است و نام نهاده. رام به معنی عیشگاه است، یعنی عیشگاه هرمز... از عمارتی که هرمز برای خود ساخته الآن تل خاکستری بجا مانده» (۸۳).

در آغاز از نام قدیمی شهر رامهرمز یاد می‌کند و آن را همان سمنگان، شهر ته‌مین بانونی رستم می‌داند و بدین وسیله به اساطیر کهن ایرانی که گذشته‌ی پیش از تاریخ ایران را در دل خود دارد، اشاره می‌کند، سپس آن را به دوران هرمز انوشیروان می‌رساند و او را بنیان‌گذار این شهر می‌داند. وجه تسمیه‌ی این شهر را بازگو می‌کند و آبادانی گذشته‌ی قلاع و عمارت‌های انوشیروان در رامهرمز را یادآور می‌شود. اکنون که ویرانی آن را می‌بیند با حسرت از آن یاد می‌کند و در دل حسرت بر این ویرانی، حسرت بر گذشته‌ی ایران باستان را هم یادآور می‌شود.

«اصل این ایلات گویا به اعتبار آزادیان خوان سالار ضحاک یا موافق حدیث که طایفه‌ی جن را مسلک دادند، یا نظر به آبادی در عهد جمشید که مردم بادیه‌نشین شدند [اهمیت داشته است]».

نژاد ایلات این منطقه را به ضحاک و قدمت اماکن آن را به دوران اسطوره‌های کهن می‌رساند. اینکه نژاد ایلات شورش‌گر را به ضحاک، حاکم خون‌ریز اسطوره‌ای می‌رساند، به گونه‌ای ضمنی آن‌ها را ظالمانی خون‌ریز و ناحق می‌خواند که می‌خواهند به جور بر ایران مسلط شوند. در دل این اشاره به اساطیر، از گذشته‌ی کهن ایران یاد می‌کند و تاریخ اسطوره‌ای

در پایان جمله جای دارد و دیگر ارکان (قیدها، صفت-ها و گروه‌های حرف اضافه‌دار) نیز به نظمی خاص در میان این دو قرار می‌گیرند، اما گاه در کلام سخنوران این توالی و نظم بهم می‌خورد. «حسام السلطنه بدان تاب نشسته تاب می‌خورد به وضع غریب» (۲۵).

گروه حرف اضافه‌دار «به وضع غریب» قید است و چگونگی تاب خوردن را نشان می‌دهد و طبق نظم دستوری فارسی باید قبل از فعل بیاید، که محمود میرزا آن را بعد از فعل آورده است. می‌توان گفت بیشترین جابجایی ارکان در متن عهد حسام مربوط به جابجایی گروه حرف اضافه‌دار است، که همواره آن را بعد از فعل آورده است. بعد از جابجایی گروه حرف اضافه‌دار، جابجایی صفت و موصوف بسامد بیشتری دارد. نمونه دیگر:

«... عظیم آبی است...» (۲۳).

از نظر بسامدی می‌توان گفت جابجایی گروه حرف اضافه‌دار ۱۲۳ بار در کتاب عهد حسام آمده است و جابجایی صفت و موصوف ۳۳ مرتبه. جابجایی دیگر ارکان بسامد چندانی ندارد و نمی‌توان آن را در شمار ویژگی سبکی قرار داد. این ارکان به پایان جمله و بعد از فعل منتقل شده‌اند که در همه‌ی آن‌ها این جابجایی برای تاکید بر معنای رکن منتقل شده انجام شده است.

۱-۳-۲. طول جمله‌ها

یکی از بارزترین ویژگی‌های نحوی (بعد از حذف فعل) که در کلام محمود میرزا جلوه‌گر است، سادگی و کوتاهی جملات است. «حسام السلطنه را اعلام کرد، مضطرب شد. بسیار مشوش شدیم. آتش‌ها از پی دفع ضرر کردیم...» (۷۳).

ایران را به مخاطب یادآور می‌شود. علاوه بر این او به هوشنگ، کیکاوس، طوس، کیومرث، ریو و... اشاره کرده است و با اشاره به نام شاهان در توصیف پل‌ها، عمارت‌ها و قلاعی که مشاهده می‌کند، قدمت تاریخی و کهن این اماکن را یادآور می‌شود. البته نمی‌توان گفت محمود میرزا تنها برای یادآوری قدمت و کهنگی اماکن گوناگون به نام پادشاهان و پهلوانان کهن و اسطوره‌ای اشاره کرده است، بلکه در دل یادآوری اساطیر گونه‌ای حس میهن دوستی و باستان‌گرایی خود را آشکار می‌کند و با این اشارات، اساطیر کهن ایران را چون دیگر شعرا و نویسندگان زنده نگه داشته است. او در نثر خود ۱۷ بار به شخصیت‌های اسطوره‌ای اشاره کرده است. از این میان می‌توان به نام‌های هرمز، انوشیروان، کیکاوس، رستم، سهراب، تهمینه، اسفندیار، طوس، کیومرث، ریو، هوشنگ و... اشاره کرد.

۱-۳-۳. لایه‌ی نحوی

«نحو علمی است که قوانین مربوط به نحوه‌ی ترکیب واژه‌ها و شکل‌گیری جمله‌ها در یک زبان را آموزش می‌دهد» (خدابخش‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۴) در بررسی لایه‌ی نحوی اثر فوق به نظم جمله‌ها، وجه، طول جمله‌ها و صدای دستوری جملات توجه شده است.

۱-۳-۱. نظم جمله‌ها

«منظور از اجزای جمله و ترتیب آن‌ها این است که هر کدام از قسمت‌های (فاعل، مفعول، فعل و...) در جای خود بکار روند. در میان متون نثر قاجار جملاتی هستند که شیوه عادی و ترتیب اجزای آن رعایت نشده است» (شاهرخی، ۱۳۷۹: ۱۱۰). در ساختار دستوری جملات در زبان فارسی، نهاد در آغاز و فعل

است. بطور کلی اغلب جملات متن عهد حسام کوتاه است، اما آنگاه که نویسنده به ستایش پدیده‌ای یا شخصی روی می‌آورد، با ذکر القاب، توصیف دقیق، پیشینه و نسب یا به وصف رخدادی خاص و... می‌پردازد؛ جملات را طولانی‌تر می‌کند تا به اقتناع مخاطب بپردازد؛ می‌توان گفت محمود میرزا در ۵۷ جا در کتابش جملات طولانی بکار می‌گیرد.

۱-۳-۳. وجه افعال:

وجه در فعل جمله به بارزترین شیوه خود را نشان می‌دهد و با دقت در افعال جملات می‌توان وجه آن را تشخیص داد. وجه «صورت یا جنبه‌هایی از آن است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تمنا، تأکید، امید و برخی امور دیگر دلالت می‌کند» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۸۱) کلام محمود میرزا از آنجا که سفرنامه است و چون خاطره نویسی به وصف رویدادها می‌پردازد، وجه افعال او اخباری است و گزارش‌هایی از دیده‌ها و شنیده‌های سفر خود را ارائه می‌دهد. «گوینده با استفاده از وجه اخباری از فعل که در یکی از زمان‌های گذشته، حال یا آینده رخ می‌دهد، خبر می‌دهد» (ناتل خانلری، ۱۳۶۶: ۱۹۸).

«تجار اهل ایران و اصفهان از ستم دزدان بختیاری شکایت بسیار کردند به قرب یک کرور مال خود را قلمداد کردند که اهل بختیاری برده‌اند مالیات حسابی سه ساله‌ی فارس را هم خازنان خزینه معروض داشتند که نرسیده‌است و وصول مالیات و تحریک زکی خان نوری وزیر فارس و گوشمال عبدالرزاق خان یزدی از راه قمشه عزیمت شیراز شد» (۹۶).

جملات را کوتاه و به دنبال هم آورده‌است، کوتاهی این جملات به‌خوبی حالت اضطراب و تشویش در حسام السلطنه و دیگر درباریان را نمایش می‌دهد. نمونه جمله مرکب بلند:

«به طریق اختصار هر روز دو هزار خروار سیورسات به اضافه سیصد گوسفند و بیست خروار برنج و ده خروار روغن و هزار خروار هیزم و زغال بدین منوال باید آماده شود که از برای پرکاهی ملازمان شاهی نرنجند اگر از روغن حشم گرفته‌اید یک من از روغن تخلف نکنند اگر برنج باشد یک دانه کم نباشد» (۴۷).

درباره‌ی طول جملات در کلام محمود میرزا می‌توان گفت آنگاه که به توصیف دقیق جزئیات در کمال آرامش و راحتی می‌پردازد، جمله‌های طولانی‌تر و مرکب می‌شوند، اما باز هم در مقایسه با جملات بلند و طولانی متون فنی و مصنوع کوتاه است و آنگاه که بگونه‌ای آشفتگی و پریشانی ناشی از ترس و دلهره نسبت به امری وجودش را فرا می‌گیرد، جملات را، کوتاه و بریده بریده، بیان می‌کند. ولی آنگاه که از شاهان و شاهزادگان سخن می‌گوید و القاب متعددی برای آن‌ها می‌آورد، یا به بیان حالات روحی و درونی خود می‌پردازد، یا اوصاف، نسب و طریقه‌ی عرفا و سادات را بیان می‌کند، جمله‌ها طولانی می‌شوند، که این امر خالی از تاثیر سیاست حاکم بر نویسنده نیست. در امور یاد شده نویسنده ترس و باکی از ذکر و یاد کرد امری ندارد و هر آنچه را لازم بداند و بخواهد بازگو می‌کند، اما آنگاه که از رویداد تاریخی دوران خود، ویژگی قبایل و سختی اوضاع اقتصادی سخن می‌گوید، جملات کوتاه است و گویا پرهیز از خطا و زیاده‌روی، عامل اصلی کوتاه‌گویی و ایجازهای وی

بازگشتن، آماده کردن، بازی کردن، ساختن و...» از جمله افعالی با صدای فعال هستند.

۱-۳-۴-۲. صدای منفعل

«وقتی مبتدای جمله، پذیرنده هدف یا محتمل فعل باشد، جمله صدای منفعل و پذیرنده دارد» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۹۵). افعال مجهول و فعل‌های ربطی از جمله نمونه‌های صدای منفعل هستند و این دو در کلام محمود میرزا به وفور دیده می‌شود.

«و حدود پشتکوه لرستان از طرفی کازه‌ی بختیاری و از طرفی سان... کرمانشاهان، از طرفی گماسب نهند و از طرفی صحرای لور که از محال دزفول است. و حدود پشتکوه از طرفی رودخانه‌ی کرخه و از طرفی که آفتاب [می‌دمد] حل کله‌ر است و از طرفی شیروان و از طرفی آخر محسن آباد که صحرایی است که دو برجان مشهور است. دو برجی هم بر بالای صحرا ساخته شده است و آن نهر به زرباتیه مشهور است» (۱۵۷/۱۵۸).

در این بند تمامی افعال، افعال ربطی هستند و کاری انجام نمی‌شود و فعالیتی در کلام دیده نمی‌شود و افعال عمل‌گرا نیستند. در نتیجه صدای افعال منفعل است.

«از آن منزل به پل تنگ عزیمت شد» (۲۲).

فعل را به صورت مجهول بکار برده است که می‌توان گفت در پس این افعال مجهول اهدافی سیاسی نهفته است. محمود میرزا ۱۰۴۱ بار فعل را با صدای منفعل بکار گرفته است. چون نثر این اثر، توصیفی و گزارشی است پس فراوانی افعال با صدای منفعل در کلام نویسنده، طبیعی می‌نماید. فعل‌هایی چون است، شد، بودند، منزل شد، عزیمت شد، شده بود، حرکت شد و...» از جمله فعل‌هایی با صدای منفعل اند.

وجه همه افعال اخباری است و قابلیت صدق و کذب دارد. دیگر جملات کتاب هم به همین شیوه است، «زیرا سفرنامه‌ها گزارش واقعیت است... و وظیفه‌ی خود را اطلاع رسانی می‌دانند، از این رو در نثری ساده و مستقیم بسان رسانه‌ای خبری، حاصل دیده‌ها و شنیده‌های خود را به اطلاع مخاطبان عام می‌رسانند» (رضوانیان، ۱۳۸۸: ۱۹۰). وجه تمامی افعال اخباری است.

۱-۳-۴-۳. صدای دستوری

«صدای دستوری عبارت است از رابطه‌ی میان رخداد یا حالت فعل با دیگر شرکت کنندگان در فرایند فعل» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۹۵). معمول‌ترین صداهای دستوری صدای فعّال و منفعل است.

۱-۳-۴-۱. صدای فعّال

همان‌گونه که از نام صدای فعال پیداست، نهاد، فاعل فعل است.

«شیخعلی میرزا غوغا کرد، به طریقی که... شده بود که مرا بیچاره دریافته، آنچه خواهد تواند کرد و به پند عارفانه و نصیحت مشفقانه‌ی بنده سر نداد» (۹۶). «تجار اهل ایران و اصفهان از ستم دزدان بختیاری شکایت بسیار کردند به قرب یک کرور مال خود را قلمداد کردند...» (۹۶).

نهاد هر دو جمله عمل‌گرا، کنش‌گر و فاعل فعل هستند و صدای کلام صدای فعّال است. آنگاه که از شورش‌ها و غوغاها سخن می‌گوید، شورش‌گران را فاعل فعل قرار می‌دهد و کلام صدایی فعّال دارد. او هیجان و روح ناشی از شورش را به خوبی به مخاطب منتقل می‌کند. ۶۶۶ بار فعل در نثر حاضر صدای فعال دارند. افعالی چون رسیدن، عزیمت کردن، زدن، رفتن،

۱-۴. چند نکته‌ی نحوی دیگر

-حذف فعل

بارزترین ویژگی نحوی کلام محمود میرزا حذف فعل است که ایرج افشار به‌خوبی به این ویژگی کلام نویسنده پی برده است. «یکی از خصوصیات آن بی- توجهی زیاد به آوردن افعال است. من در موارد ضروری خود را مکلف کردم که آن سقطها را میان [] بگذارم» (محمود میرزا، ۱۳۹۶: ۱۳).

«علی ای حال من یافتم که درخانه‌ی شیخ الاسلام [یک] عدد تسبیح شعیب باقی [است]، به طریقی می- خواستم به خانه‌ی آن جناب بلکه آن مایه‌ی عظیم را تعظیم [کنم] و به آن فیض رسیده باشم» (۱۰۹). نویسنده در ۴۰۸ مورد افعال را به قرینه معنوی و لفظی حذف کرده است.

-عدم مطابقت فعل و نهاد در مفرد و جمع بودن

«قبله‌ی عالم در یوم پنج شنبه از دزفول عزیمت کردند» (۱۰۱).

نهاد جمله‌ی فوق قبله‌ی عالم و مفرد است، حال آنکه فعل جمع است، که این امر برای ادب و وزی و بزرگداشت مقام شاه است. این عدم تناسبها در کلام محمود میرزا اندک است.

-جملات معترضه عربی و فارسی

«... و از جمله‌ی اجداد صفویه -انارالله برهانهم- می- باشد...» (۳۳).

«با بیست هزار جمعیت پیشبازی وارد شهر [شده] از پل گذشته منزل به قلعه سلاسل -که الآن را می- خواهند که موسوم به خاقانیه باشد- شد» (۴۹).

محمود میرزا ۳۶ بار از جمله‌ی معترضه‌ی عربی و ۴۲ بار از جمله‌ی معترضه‌ی فارسی استفاده کرده است.

-عدم تناسب ضمائر

«سنگی که الآن در آن رواق نصب است این کلمات بر او منقوش است...» (۳۵).

ضمیر او برای عاقل بکار می‌رود و در اینجا برای سنگ که غیر ذوی العقول است، بکار رفته است.

-ساخت کهن فعل

«در این کتاب به یادگار بماناد در روزگار» (۳۵).

۱-۵. لایه‌ی بلاغی

«مطالعات سطح بلاغی زبان، سهم زیادی در سبک- شناسی ادبی دارند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۰۲). بلاغت در سه سطح بدیع، بیان و معانی است که هنگام بررسی لایه‌ی بلاغی متن ادبی، این سه سطح، مورد توجه پژوهش‌گران قرار می‌گیرد.

۱-۵-۱. بدیع

بدیع اغلب مربوط به موسیقی متن است، گرچه اموری چون تکرار، واج‌آرایی، تضاد و تناسب در بررسی لایه‌ی آوایی و واژگانی در موسیقی کلام موثرند و پیشتر از آن‌ها سخن گفته شد. در اینجا، به ذکر نمونه‌هایی دیگر از عوامل موسیقایی موثر در متن، می‌پردازیم.

۱-۵-۱-۱. سجع

«هر کسی پای عبودیت را در دامن غفلت کشیده آثار رحمت مایه‌ی زحمت گردیده. این راه را هم به مشقتی آمدیم که کاش نمی‌آمدیم... از آن گذشته سادات و قضات و علما و فضلا، از آن گذشته...» (۲۷). سجع موجود در کلمات (غفلت، رحمت، زحمت) و (کشیده، گردیده) و (سادات، قضات) و (علما، فضلا) کلام را کاملاً موسیقایی کرده است و توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند.

«در مرغزاری پر لاله‌ی حسرت منزل شد و لاله‌های آن مقابل با دل شد» (۸۳).

واژه‌های منزل، مقابل و دل با هم سجع مطرف ساخته‌اند.

«بیان حقیقت این حال را مجال و حال دیگری لازم و لابد» (۵).

واژه‌های لازم و لابد سجع متوازن و حال و مجال سجع مطرف دارند.

محمود میرزا ۲۶۴ بار سجع متوازی را در کلام خود آورده‌است، بگونه‌ای که می‌توان گفت کمتر صفحه‌ای از متن عهد حسام را می‌توان یافت که در آن سجع بکار نرفته باشد. ۲۷ بار سجع متوازن و ۱۸ بار هم سجع مطرف را بکار برده‌است.

۱-۵-۱-۲. اغراق

«وقت باشد که ماهی دویست منی در او باشد» (۶۰).

نویسنده از وجود ماهی دویست منی در رودخانه‌ای سخن می‌گوید. ماهی دویست منی به راستی اغراقی بزرگ است. نویسنده ۴۲ بار در کلامش اغراق بکار می‌گیرد و بدین شیوه توجه مخاطب را به مفهوم مورد نظرش جلب و تاثیر کلامش را افزون می‌کند.

۱-۵-۲. بیان

۱-۵-۲-۱. تشبیه

«جوانی یوسف مثال بود که یوسف در برابرش مثال در و دیوار» (۱۰۲). جوان را در زیبایی به یوسف مانند کرده‌است.

او تشبیهات زیبایی دیگری را نیز بکار برده‌است که در ادامه به ذکر چند تشبیه پرداخته شده‌است:

صحرای بهشت، آبی چون دامن تر رندان، دریای غضب، باغ همدوش بهشت، زندان حُسن، قلمدان دانش، بیستون آسمان، خیمه‌ی شب.

۷۸ تشبیه در کلام محمود میرزا دیده شد که اغلب تشبیهات او حسی به عقلی و عقلی به حسی است و یک سوی تشبیه حسی است و سوی دیگر آن عقلی است، البته تشبیهات حسی به حسی هم در کلامش دیده می‌شود که بسامد آن اندک است.

۱-۵-۲-۲. تلمیح

تلمیح به ضرب‌المثل:

اشاره به مثل‌های فارسی و عربی در کلام محمود میرزا به وضوح دیده می‌شود.

«اگر تفصیل احوالش را بنویسم "مثنوی هفتاد من کاغذ شود"» (۳۲).

«چون قایل قصیده را کوفته خاطری فاحش از داعی مسود اوراق حاصل بود در کنایات و استعارات منع پذیر نگردید. "یچوز للشاعر ما لا یچوز لغیره"» (۵).

تلمیح به ضرب‌المثل ۲۱ بار در این کتاب تکرار شده‌است.

تلمیح به آیات:

تلمیح به آیات در کلام او کمتر دیده می‌شود، می‌توان به صراحت اعلام کرد او تنها در دو جای به آیه "۵۹ سوره‌ی حشر" اشاره کرده‌است. «الآن از آن شهر آناری به جز خاک و عبرت افلاک چیزی به‌جا نیست "فاعتبروا یا اولی الابصار"». این آیه برای عبرت گرفتن از ویرانه‌هایی است که زمانی در اوج آبادانی بوده‌اند و اکنون ویرانه‌ای بیش نیستند. این آیات دید معنوی و منش عرفانی او را به جهان نشان می‌دهد.

۱-۵-۲-۳. تضمین اشعار

بارزترین ویژگی که در نثر عهد حسام در نخستین نگاه توجه خواننده را به خود جلب می‌کند، فراوانی ابیات در لابلای متن منشور است. او گاه یک قصیده یا غزل کامل از خود یا از دیگر شعرا و گاه تنها یک

مصراع یا یک بیت را بکار برده است. علاوه بر سروده - های خود به اشعار شعرای بزرگی چون مولانا، سعدی، حافظ، عطار و برخی شاعران گم‌نام دیگر اشاره کرده است، که در این میان بیشترین اشاره را به اشعار مولانا داشته است. این اشعار را به تناسب معنای متن در کلام خود آورده است و گاه اشعار و ابیات حکم مکمل معنایی متن مثنوی را دارند، بویژه آنگاه که یک مصراع را در کلام خود می‌آورد. در اینجا به تمام شاهد مثال اشاره نمی‌شود، چون تمام صفحات متن شاهد مثال این بخش هستند، که مخاطبان را به متن اصلی ارجاع می‌دهیم. لازم به ذکر است، ارادت محمود میرزا به مولانا در مشرب و منش عرفانی او بی‌تأثیر نبوده است. او ۳۵ مرتبه به اشعار مولانا، ۷ مرتبه به حافظ، ۴ مرتبه به سعدی، ۲ مرتبه به عطار و ۱۹ مرتبه به اشعار خود اشاره کرده است.

«... زربافی که مرغان بدو آواز کنند چنانچه عارف رومی فرماید:
فخر رازی آرد را لیتی کند / سوی مرغان ریزد و تی
تی کند» (۱۵۸).
نمونه از حافظ:

من در آن دم که وضو ساختم از چشمه‌ی عشق / چار
تکبیر زدم یکسره بر هر چه که هست (۳۹).
نمونه از سعدی:

گل خوشبوی در حمام روزی / رسید از دست محبوبی
به دستم
بدوگفتم که مشکی یا عبیری / که از بوی دلاویز تو
مستم

بگفتا من گلی ناچیز بودم / ولیکن مدتی با گل نشستم

کمال همنشین در من اثر کرد / وگرنه من همان خاکم
که هستم (۷۹).
نمونه از عطار:
گر یکی لطف و گر صد می‌کنی / از خداوندی تو با
خود می‌کنی
ماهی از دریا چو در صحرا فتد / می‌طپد تا بو که در
دریا فتد (۸۲).

۱-۶. لایه‌ی معنایی

هر اثر به یقین حاوی معنا یا معنایی است که نویسنده می‌خواهد، آن را به مخاطب منتقل کند. در سفرنامه‌ی عهد حسام که سفر شاهزاده‌ای عارف مسلک به غرب ایران است، اطلاعات فراوان جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، سیاسی، مردم‌شناسی و دینی را در خود دارد. «سفرنامه‌ها یکی از بهترین منابع برای شناخت وضعیت معیشت و فهم سبک زندگی مردم [است]... از دل سفرنامه‌ها و دل‌نوشته‌های مردم می‌توان راجع به سبک زندگی ایرانیان و چگونگی گذران امرار معاش مردم مطالب بسیاری را استخراج کرد» (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۸۴). باید دانست «سبک‌شناسی علاوه بر سطوح زبان‌شناسی نظیر آواشناسی، صرف و نحو که فرم زبان را بررسی می‌کنند، سطح معناشناسی بحثی بسیار گسترده است، که بر بسیاری از ویژگی‌های سبک ادبی پرتو می‌افکند» (قاسمی، ۱۳۹۳: ۲۱). (از آنجا که سراسر متن حاوی این اطلاعات است، ما برای هر یک از مفاهیم تنها به یک شاهد مثال بسنده می‌کنیم).

۱-۶-۱. اطلاعات جغرافیایی

وصف رودها، کوه‌ها، پل‌ها، طبیعت بکر خوزستان و لرستان، موقعیت اماکن گوناگون و... در جای جای

استعداد آن مکان دید گفت آنجا شوشتر است یعنی بهتر است» (۵۱). در این بند از پیشینه‌ی کهن و اسطوره‌ای شهر یاد می‌کند و گذشته‌ی کهن ایران و قدمت شوش را به مخاطبان یادآور می‌شود. محمود میرزا در کنار اشاره به گذشته‌های دور به اوضاع عصر خود نیز اشاره می‌کند:

«قبله‌ی عالم در یوم پنجشنبه از دزفول عزیمت کردند. چون روز بارانی بود در بالای رود منزل [کردند]. طغیان آب بسیار بود. به محض عبور قبله‌ی عالم از آن رود شدت [آب] زیاد شد. تا بیست نفر از اهل اردو را آب هلاک و هم‌آغوش خاک کرد. نصفی از جواریان حرم و مخدّرات عصمت دستشان از دامن آفتاب و مرکز خاک به جهت شدت آب کوتاه [شد]، در این طرف رود ماندند. اوضاع شربت‌خانه را که تمام قند و نبات و شکر بود بدون زحمت شربت‌دار آب بکنار گرفت» (۱۰۷).

در این بند به واقعه‌ای در دوران عصر خود اشاره کرده‌است، که اکنون برای ما گذشته‌ی تاریخی است. سفر شاه را به غرب ایران بازگو می‌کند و طغیان رود و جاری شدن سیل که خسارت زیادی به شربت‌خانه‌ی دربار وارد کرده‌است. محمود میرزا از ۷۲ رویداد تاریخی یاد کرده‌است، که ۵۳ رویداد آن مربوط به عصر نویسنده است و خود آن‌ها را دریافته‌است و ۱۹ مورد به حوادث قبل از عصر قاجار و رویدادهای تاریخ کهن اشاره کرده‌است.

۱-۶-۳. اطلاعات اقتصادی

گاه نویسنده به رخدادها و اموری اشاره می‌کند که خواننده از طریق آن می‌تواند به اوضاع اقتصادی دوران قاجار و فاصله‌ی طبقاتی درباریان و روستاییان پی‌برد. از سوی دیگر خود نویسنده با دیدن هر مکانی

کلام او دیده می‌شود. محمود میرزا به وصف رودها، پل‌ها و اماکن تاریخی و زیارتی علاقه‌ی ویژه‌ای دارد. «از آن منزل به پل تنگ عزیمت شد. این اسم برای منزل مجاز [است] و حقیقت نیست. جمیع آب رود صیمره و خرّم آباد از جائی مجری دارد. در این مکان اگر پیاده‌ی چستی باشد می‌تواند به یک خیز آن طرف رود. از عجایب است و به کرات بزرگان به وعده‌ی انعام، پیادگان چابک از او جهیده‌اند. به مثابه‌ی دویت گز عمق دارد که آب‌های معروضی از او عبور دارد و اصل پل تنگ پل هم دارد که محل عبور خلق است. قریب به کوه کبیر و کوه کیلان است» (۲۲).

نام پل، رود عبور کننده از آن، اندازه‌ی آب آنجا، مسافت آن تا مکان‌های خاص و... را با دقت هرچه تمام‌تر وصف کرده‌است. این اوصاف موقعیت جغرافیایی و مکانی پدیده‌های طبیعی را به مخاطب نشان می‌دهد و گونه‌ای نشانه دادن است. نویسنده در ۴۸ مرحله به توصیف این پدیده‌ها پرداخته و در هریک از توصیف‌ها از پدیده‌های طبیعی، آب و هوا، پل‌ها و قلعه‌ها و... سخن رانده است.

۱-۶-۲. اطلاعات تاریخی

محمود میرزا با مشاهده‌ی اماکن گوناگون زیارتی، پل‌ها، مساجد، قلعه‌ها و... به جنبه‌ی تاریخی آن‌ها هم نگریسته و قدمت و پیشینه‌ی آن‌ها را نیز یادآور شده‌است.

«بنای شوشتر از هوشنگ پسر کیومرث یا برادر زاده‌ی او می‌باشد. فرمان داد که مردم خانه بسازند به نزدیک یکدیگر. این شهر و این وضع او را خوش آمد و این شهر را شوش گفت و شوش به لغت قدیم خوب است. پس از آنکه هوشنگ - که حکیمی بود کامل و پادشاهی بود عاقل - به کنار رود کردند رسید چون

می‌دادند تا مبالغ بیشتری پیشکش و مالیات پرداخت کنند.

۱-۶-۴-اطلاعات سیاسی

«دیگر آنکه از عراق خبر رسید که به سعایت اخوان بطنی و صلبی عیال و اطفال من بیگناه را به زور پول و رشوه و اشتباه از خانه‌های خود که قلعه‌ی رویین دژ باشد به زیر آوردند و در آن قلعه خود هشت سال گل‌کاری کرده‌ام و هشتاد هزار تومان خرج کرده‌ام. از انصاف قبله‌ی عالم تعجب دارم که آن صاحب‌خانه در کوچه و بازار باشد و خانه به دست دیگران باشد و علاوه بر آن آنچه داشته‌اند ضبط کرده‌اند و اضافه بر آن خانه‌های مهجور را سیخ می‌زدند که محمود در جدار این خانه پول دفن کرده» (۱۳۸).

محمود میرزا از وجود حاسدان و سخن‌چینان کینه‌توز در دربار سخن می‌گوید. اینان تا بدانجا بر دربار مؤثر بوده‌اند که شاهزاده‌ای چون محمود میرزا را مغیوض کرده و حتی زن و فرزندانش هم از خانه و کاشانه‌اش آواره کرده‌اند. این خصلت ناپسندیده، خوی بد حاکمان را بر مبنای «الملک عقیم» می‌رساند و بگونه‌ای تزلزل و ضعیف بودن پادشاهان دربار قاجار را هم یادآور می‌شود چراکه پدری با سخن حاسدان پسر را از خود می‌راند. ضعف پادشاهان قاجار و استبداد و ظلم آن‌ها به ویژه در گرفتن مالیات و پیشکش در کلام محمود میرزا دیده می‌شود، در صفحه ۳۶ از ضعف پادشاهان در مقابل حکام فرنگ و ناتوانی در نه گفتن به خواسته‌های نامعقول فرنگیان سخن رانده‌است. «..حکمای فرنگ آمده او را دیدند. در طهران به خسرو ایران اظهار در حمل [و] نقل آن نمودند و به سرکار محمد علی میرزا اظهار مبالغی در

به طور قطع یا تخمین هزینه‌های خرج شده برای آن مکان را بازگو می‌کند و نشان می‌دهد که نویسنده با دیدی اقتصادی به اماکن می‌نگرد.

«فرمان‌فرما و عملجات و اهل شیراز پیشباز کردند. سهراب خان غلام بچه به أخذ مالیات مأمور [شد] دویست و پنجاه هزار تومان وصول [شد] و صد و پنجاه هزار تومان پیشکش گرفتند. هفت شبانه روز چراغان کردند و به عنوان عشرت چهل روز بودند» (۹۷).

اوضاع اقتصادی عصر نشان می‌دهد که دولت مالیات‌های ظالمانه بر مردم تحمیل می‌کرده‌است و هزینه‌های دربار را مردم تأمین می‌کرده‌اند. پیشه‌ی مردم هم بویژه مردم لرستان و خوزستان کشاورزی و دامداری بوده‌است، این مردمان خود اقلام معیشتی خود را تولید می‌کردند. خواننده با خواندن این متن به سادگی می‌تواند به دید اقتصادی نویسنده پی ببرد و بگونه‌ای مال دوستی این شاهزاده قاجار را دریابد. او در ۲۷ جا از هزینه‌ها و درآمدهای امور مختلف سخن گفته‌است و در ۸ جا از مالیات‌ها و پیشکش‌هایی که برای شاه می‌آمده‌است. البته در کمتر جایی دیده می‌شود که مردم به رغبت خود پیشکش و مالیات پرداخت کنند، اغلب شخصی مسئول وصول آن‌هاست که حتی اکراه از پرداخت دیده می‌شود. مالیات‌ها و پیشکش‌ها اغلب با چند واسطه به خود شاه می‌رسید. بزرگ ده که اغلب کدخدای روستا نیز بوده‌است، به اجبار از مردمان وجهی می‌ستاند، خان منطقه آن را از او دریافت می‌کند و به مأمور شاه می‌دهد. گاه این افراد برای تقرب به خود شاه مردم را زیر فشار قرار

این باب پیشکش می‌دانند و تقبل می‌کردند [که] آن سنگ را ببرند. انحرافی هم در طبع شاهزاده بود که تسلیم نماید. چون آن سنگ را خود آن پیغمبر به جهت رفع بلیات از این ولایت موجود کرده و از برای بعضی امورات و علوم غریبه مضبوط کرده اهل آن بلد خاصه سید عبدالله که پیرترین مردم بود عرایض نوشته شاهزاده حکم کردند که آن سنگ را مخفی کردند از نظر و عذر حکمای فرنگ را خواستند و ندادند» (۳۶-۳۷). محمود میرزا به ۳۸ واقعه‌ی سیاسی دوران خود اشاره کرده‌است، این وقایع سیاسی شامل جنگ‌ها، اختلافات داخلی، عزل و نصب‌ها و... است.

۱-۶-۵. اطلاعات مردم شناسی

در این اثر می‌توان به آگاهی‌های فراوانی راجع به اوضاع فرهنگی، آداب و رسوم، خلق و خوی مردم آن عصر پی‌برد.

جشن‌ها

«و شب آن روز اهل شوشتر آتش بازی کردند بی - رعایت فلان برهنه‌ی آتش‌باز. آتش‌بازی و چراغان در زمین سبزه میدان کردند و آب‌بازان جرّاده را دست بسته در رود انداختند و او پا شنا می‌کرد. عجب است که دست بسته سه هزار زرع شنا می‌کند. صدای شلیک و آواز نقره پرده‌ی گوش ستاره را پاره کرد» (۱۱۳).

نویسنده به‌خوبی شیوه‌ی برگزاری اعیاد و جشن‌ها در شوشتر را نشان می‌دهد. نشان می‌دهد که چگونه برای شادی حکام، جان انسان‌ها را به خطر می‌انداخته‌اند. اشاره به جشن‌ها (استقبال پادشاه، عید فطر، مراسمات درباری و...) در کلام محمود میرزا اندک است و تعداد آن از ۷ مورد بیشتر نیست.

خلق و خوی مردمان

«و باید دانست که طایفه‌ی پیشکوه لرستان درست کردارتر و درست گفتارتر و پاک اعتقادتر و بی‌قال[تر] و خوش احوالترند. صافی و صادق می‌باشند و اغلب از این طوایف به مرور به عراق و فارس و در بلاد ایران رفته‌ند[و] مجاورند. [در] شهر نهاوند، همدان، تویسرکان، کرمانشاهان، ملایر و استرآباد و این طایفه - ی دلفان را لک می‌گویند که سبب [توطن] اغلبشان در این خاک شاه عباس صفوی شد» (۱۶۷).

خوبی خلق و خوی، مکان سکونت و سبب توطن این طایفه را بازگو کرده‌است. محمود میرزا در کنار نام قبایل و ایلات گاه از خلق و منش آن‌ها نیز سخن میراند، که گاه این سخن‌ها قضاوت‌هایی ناقص است و در واقع خلقی نادرست را تمامی اهالی یک مکان تعمیم داده‌است. او خلق و خوی ۱۹ گروه از مردمان را به شیوه‌ی تعمیم دادن آن صفت به همگان بازگو کرده‌است.

باورهای عامه

«سر غریبی در آن هست که درخت خرمائی اگر ثمر نداد به شرط آنکه ماده باشد - و آلاً نر که ثمر نخواهد داد - شمشیری به دست گیرد و به پای درخت آید و گوید که تو را می‌برم. دیگری به شفاعت و ضمانت بیاید به این زبان که تو را امسال به‌خاطر من مهلت بده، من ضامن می‌شوم که اگر سال دیگر ثمر نداد خودم به دست خودم او را خواهم برید. به این سیاست دیگر سال ثمر وافر در او پیدا خواهد شد بیش از سابق» (۶۳). در ۱۰ جایگاه به باورهای عامیانه‌ی مردم اشاره دارد.

اوضاع زنان

حضور زنان در این متن بسیار کم‌رنگ است و از حضور زنان رقاصه در جشن‌ها و اعیاد، اجازه دیدار

«در سر قلّه کوه کبیر احمدبن امیرالمومنین مدفنی دارد که به شاه احمد مشهور است. زنی را که فرزند نباشد توسل به او جسته پس از زیارت مسئلتش اجابت می‌شود، و کلاغانی در آن مزار است که می‌گویند غلامان آن حضرت مشایعت می‌کنند» (۲۲). نویسنده در ۵۸ مورد به باورها و عقاید دینی مردمان اشاره کرده‌است.

نتیجه

سفرنامه‌ی عهد حسام از جمله آثار گران ارج و کمتر شناخته شده‌ی عصر قاجار است. عهد حسام از سبک ساده نویسی عصر قاجار هم بهره برده‌است، اما تکلف و مصنوع نویسی که در آن دوران هم رایج بوده‌است، در کلامش دیده می‌شود. آنگاه که از شاه یاد می‌کند و با ادب ورزی، القاب و عناوینی برای شاه و دیگر درباریان بکار می‌برد، کلمات و واژه‌های مسجع و موزون را با آراستگی کنار هم می‌چیند و نثرش، نثری مسجع می‌گردد. ولی وقتی که به وصف، ذکر وقایع تاریخی، سخن از امامزادگان و داستان‌های عرفا می‌پردازد، کلامش روان و ساده است و قلم در دست نویسنده به سهولت می‌چرخد، با این وجود لایه‌ی آوایی کلام او خالی از زیبایی‌های آوایی نیست. تکرار آواها در کلامش سخن او را موسیقایی کرده‌است. در لایه‌ی واژگانی از واژه‌های عربی هم استفاده کرده‌است، که در این میان قیود تنوین دار و غیر تنوین دار عربی، صفت‌های تفضیلی و ترکیبات وصفی و اضافی عربی به وضوح دیده می‌شود. گاه واژه‌هایی را بکار برده‌است که به وضوح نشان می‌دهد سخنور، شاهزاده‌ای مورد غضب قرار گرفته و معتقد به عقاید

شاه در صورت بخشیدن مهریه خود، حضور زنان دربار در سفر همراه شاه، وصف مهمان نوازی و شجاعت والده ابوالفتح میرزا، تجاوز نمی‌کند. «ده زن بهیچانی مهر خود را به شوهر حلال کردند که اذنی داده [شود] به آن‌ها که رفته جمال پادشاهی را زیارت نمایند» (۸۱). اشاره به وضعیت زنان در کلام محمود میرزا از ۶ مورد بیشتر نمی‌رود و این اشارات آن‌چنان قوی و مفصل نیستند، که بتوان به اوضاع زنان آن عصر پی‌برد، بلکه در حد اشاراتی بسیار ظریف است که می‌توان زن را در این کتاب دید.

عزا

«غریب مادر غریب مادر از هر پدر و پسری مسموع می‌شد» (۲۷). فریاد و ناله در هنگام مرگ عزیزان از دیرباز در میان ایرانیان مرسوم بوده‌است. در صفحه ۱۱۰ نیز خضاب نگرفتن تا مدت‌ها پس از مرگ عزیزان دیده می‌شود.

گویی در دوران محمود میرزا مراسم ختم و عزایی برگزار نشده‌است یا مورد توجه او نبوده‌است، زیرا تنها در ۲ جا آن‌هم به صورتی مضمحل به دو رسم عزا داری که یکی ناله و فریاد و دیگری خضاب نگرفتن است اشاره دارد.

اطلاعات دینی

دین و باورهای آیینی در هر مکانی وجه قالب برای شناخت مردمان آن مکان است، می‌توان گفت با ورود به هر دیاری به آسانی می‌توان پی برد که مردمان آن دیار پیرو کدام دین یا آیین هستند. محمود میرزا با ورود به هر دیاری از باورهای آیینی آن دیار هم سخن می‌گوید، از بقاع متبرکه، اماکن زیارتی، امامزادگان و دیگر باورها و اعتقادات یاد می‌کند.

- خدابخش نژاد، مهرانگیز و قاسم مختاری، ابراهیم اناری، محمود شهبازی (۱۳۹۷)، *سبک‌شناسی لایه‌ای سوره‌ی مبارک نباء*، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال ۶، شماره ۲، صص ۱۳۷-۱۶۱.

- خورشیدوند، حمیده (۱۳۹۱)، *بررسی ویژگی‌های سبکی سفرنامه‌های عصر قاجار*، پایان‌نامه، دانشگاه ارومیه.

- رحیمیان، هرمز (۱۳۸۸)، *ادبیات معاصر نثر*، چاپ ششم، تهران: سمت.

- رضوانیان، قدیسه (۱۳۸۸)، *سیر تحولی روایت در ادبیات سفرنامه‌ای ایران*، تاریخ ادبیات، شماره ۶۳، صص ۱۷۵-۱۹۲.

- شاهرخی، فرنگیس (۱۳۷۹)، *تأثیر سفرنامه‌های دوره - ی قاجار بر نثر فارسی*، پایان‌نامه، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

- شکاری، سمیه (۱۳۹۲)، *بررسی سبکی و زیبایی سفرنامه میرزا صالح شیرازی*، پایان‌نامه، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین.

- شهرامی، محمد باقر (۱۳۸۷)، *بررسی مختصات زبانی و سبکی سفرنامه ناصر خسرو*، پایان‌نامه، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین.

- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۴)، *دستور مفصل امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید*، چاپ دوم، تهران: سخن.

- فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، تهران: سخن.

- قاسمی، ضیاء (۱۳۹۳)، *سبک ادبی از دیدگاه زبان‌شناسی*، تهران: امیرکبیر.

- محمدی آسیابادی، علی و سید کاظم موسوی، طیبه صابری (۱۳۹۵)، *سبک‌شناسی تاریخ بلعمی*، فنون ادبی، شماره ۱۴، صص ۵۷-۶۶.

دینی و عرفانی است. کاربرد واژه‌های کهن و نام شاهان و پهلوانان اسطوره‌ای در کلامش نشان می‌دهند که او با پیشینه‌ی تاریخی و اسطوره‌های ایران کهن و همچنین تاریخ اسلام آشناست. در لایه‌ی نحوی کلام گاه نظم به هنجار دستوری در زبان معیار را بر هم می‌زند و اجزای جمله را جابجا می‌کند، این جابجایی در جابجایی صفت و موصوف و تأخیر گروه حرف اضافه‌دار بر فعل، وضوح بیشتری دارد. در لایه‌ی بلاغی کلامش از تشبیه‌های حسی، تلمیح به آیات قرآن، مثل‌های فارسی و عربی و اشعار خود و دیگر شاعران استفاده کرده‌است. در لایه‌ی معنایی به وضوح می‌توان گفت چون آیین‌های بازنمای اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دینی عصر قاجار است و همزمان از مسائل تاریخی کهن و تاریخ معاصر خود سخن می‌گوید و با هنرمندی تمام طبیعت و محیط جغرافیایی لرستان و خوزستان را توصیف می‌کند. در ضمن وصف دقیق پدیده‌ها از اطناب ملال آور به دور است و ایجاز مخل نیز در کلامش دیده نمی‌شود.

منابع

- آقایی بهجانی، آسیه (۱۳۹۴)، *سبک زبانی سفرنامه‌های ناصرالدین شاه*، پایان‌نامه، دانشگاه یزد.

- ابراهیمی، مریم (۱۳۹۶)، *انعکاس وضعیت معیشتی مردم در سفرنامه‌های عصر قاجار*، تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۳۵، صص ۸۳-۹۶.

- بهزاد ساری نصیرلو، اصغر (۱۳۹۷)، *بررسی وجوه افعال در سفرنامه ناصر خسرو*، پایان‌نامه، دانشگاه محقق ادبیلی.

- جهان بخت لیلی، امیر (۱۳۹۰)، *بررسی زبانی، محتوایی و زیبایی شناختی سفرنامه‌های امین الریحانی*، پایان‌نامه، دانشگاه شهید چمران اهواز.

- مهریویا، فرشته (۱۳۸۶)، بررسی سفرنامه‌های شاعران و ادیبان معاصر، پایان نامه، دانشگاه یزد.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۶)، تاریخ زبان فارسی، جلد دوم، تهران: نشر نو.
- ناشناس، (۱۳۸۷)، سفرنامه نویسی، ادبیات و زبان‌ها، ضمیمه نامه فرهنگستان، شماره ۳۴، صص ۵۲-۷۰.
- نظری نسب، مهران (۱۳۹۵)، بررسی سبک شناسی و تحلیل گفتمان سفرنامه‌های عتبات دوره قاجار، پایان نامه، دانشگاه شهید چمران اهواز.

